



اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای مصطفی ده‌باشی

مقدمه

راه دوم اثبات وجدانی صدور، اجماع است. اجماع، همانند خبر متواتر بر طبق حساب احتمالات، موجب حصول علم به صدور می‌شود. اخبار حدسی، مفردات اجماع‌اند که احتمال مطابقت با واقع از راه این اخبار، کندتر از اخبار حسی حاصل می‌شود. در مقایسه‌ای که بین اجماع و تواتر انجام گرفت، مشخص شد که تواتر در حصول علم، سریع‌تر و دارای پنج نقطه قوت است که آن را بر اجماع برتری می‌دهد.

در این درس، مصنف عوامل مؤثر بر سرعت کشف در اجماع را مطرح می‌کند. این عوامل چهارگانه می‌توانند نقش مثبت یا منفی در حصول علم ایفا کنند و موجب کندی یا سرعت آن گردند. در پایان مبحث اجماع نیز، با توجه به منطق حساب احتمالات، نکاتی در رابطه با شرایط حصول علم به صدور در اجماع بیان می‌شود.

متن درس

[وسائل الإثبات الوجداني ... الاجماع ...]

و يتأثر حساب الاحتمال في الاجماع بعوامل عديدة منها: نوعية العلماء المتفقين من الناحية العلمية، و من ناحية قربهم من عصر النصوص.

و منها: طبيعة المسألة المتفق على حكمها، و كونها من المسائل المترقب ورود النص بشأنها، او من التفصيلات و التفريعات.

و منها: درجة ابتلاء الناس بتلك المسألة و ظروفها الاجتماعية، فقد يتفق انها بنحو يقتضى توافر الدواعي و الظروف إشاعة الحكم المقابل لو لم يكن الحكم المجمع عليه ثابتاً في الشريعة حقاً.

و منها: لحن كلام اولئك المجمعين في مقام الاستدلال على الحكم، و مدى احتمال ارتباط موقفهم بمدارك نظرية موهونة الى غير ذلك من النكات و الخصوصيات.

و لما كان استكشاف الدليل الشرعي من الاجماع مرتبطاً بحساب الاحتمال، لم يكن للإجماع بعنوانه موضوعية في حصوله، فقد يتم الاستكشاف حتى مع وجود المخالف إذا كان الخلاف بنحو لا يؤثر على حساب الاحتمال المقابل، و هذا يرتبط الى درجة كبيرة بتشخيص نوعية المخالف و عصره، و مدى تغلغله في الخط العلمي و موقعه فيه. كما انه قد لا يكفي الإجماع بحساب الاحتمال للاستكشاف، فتضم اليه قرائن احتمالية اخرى على نحو يتشكل من المجموع ما يقتضى الكشف بحساب الاحتمال.

عوامل مؤثر بر اجماع برای دستیابی به علم

در مباحث گذشته گفته شد که اجماع، بر طبق حساب احتمالات می‌تواند ما را به یقین برساند و از این جهت با خبر متواتر اشتراک دارد. چهار عامل می‌توانند موجب کندی یا سرعت حصول علم از راه اجماع شوند:

الف) شخصیت علمای اجماع کننده از جهت علمی و زمانی:

یعنی هرچه مرتبه علمی و تبحر آنان بیشتر باشد، از اتفاق آن‌ها، سریع‌تر به علم می‌رسیم و هرچه که از نظر زمانی به عصر صدور نص و روایت نزدیک‌تر باشند، احتمال مطابقت با واقع بیشتر است؛ زیرا ممکن است بر اساس ذهنیتی که نسبت به یک حکم فقهی در آن دوران داشته‌اند، فتوا داده باشند.

ب) طبیعت و جنس مسأله مورد اجماع:

اگر مسأله مورد اتفاق، از مسائل اصلی و مهم ابواب فقهی باشد، احتمال مطابقت آن با واقع بیشتر است؛ بر خلاف صورتی که مسأله، از مسائل فرعی باشد؛ چون حساسیت فقها نسبت به مسائل اصلی بیشتر است.

تطبیق

و يتأثر حساب الاحتمال في الاجماع بعوامل^۱ عديدة منها^۲: نوعية العلماء المتفقين من الناحية العلمية، و من ناحية قربهم من عصر النصوص.

حساب احتمالات در اجماع، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد. از جمله آن عوامل، شخصیت علمای اجماع کننده از جهت علمی و نزدیکی به عصر روایات است.

و منها: طبيعة المسألة المتفق على حكمها^۳، و كونها^۴ من المسائل المترقب ورود النص بشأنها، او من التفصيلات و^۵ التفرعات.

از جمله عوامل، طبیعت مسأله‌ای است که بر حکم آن، اجماع شده و این‌که آن مسأله از مسائلی است که ورود نص درباره آن، مورد انتظار است یا از مسائل تفصیلی و فرعی است.

Sc01:9:37

عوامل مؤثر بر اجماع برای دستیابی به علم (ادامه مباحث)

دو عامل از عواملی که موجب کندی یا سرعت حصول علم در اجماع می‌شوند عبارت بودند از: ۱. شخصیت علما از جهت علمی و زمانی؛ ۲. جنس مسأله مورد اجماع.

ج) میزان ابتلای مردم به مسأله مورد اجماع و شرایط اجتماعی آن:

۱. متعلق جارو مجرور: يتأثر.

۲. مرجع ضمیر: عوامل.

۳. مرجع ضمیر: المسألة.

۴. مرجع ضمیر: المسألة.

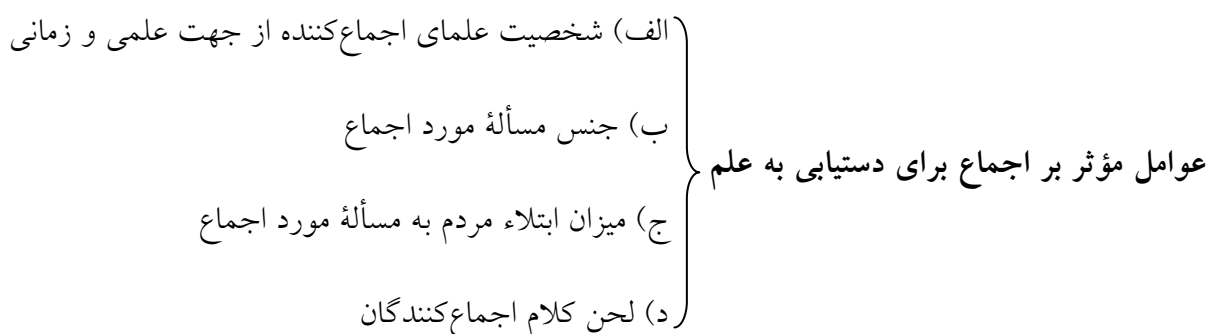
۵. عطف تفسیری.

هرچه یک مسأله، بیشتر مورد ابتلاء مردم و شرایط اجتماعی آن، فراگیرتر و حساس‌تر باشد، احتمال مخالفت فتوای اجماع کنندگان با واقع، کاهش می‌یابد. اگر شارع، حکمی بر خلاف فتوای اجماع کنندگان داشته و آن حکم، مورد ابتلاء مردم باشد، زودتر علنی می‌شود و بعید است که مهجور و متروک واقع شود.

(د) لحن کلام اجماع‌کنندگان و تعبیری که در بیان حکم مسأله به کار برده‌اند:

زیرا ممکن است به ادله‌ای اعتماد کرده باشند که ناتمام باشد که در این صورت، موجب کندی حصول علم می‌شود. نحوه بیان اجماع‌کنندگان، نشانگر ادله مورد اعتماد آنان است و ممکن است به ادله‌ای اعتماد کرده باشند که نزد ما موجود و از دید ما ناتمام باشد. مثل اینکه بر حرمت گوشت خرگوش اجماع نموده باشند در حالی که ظاهر روایت آنان ناتمام است.

FG



تطبیق

و منها: درجة ابتلاء الناس بتلك المسألة^۱ و ظروفها^۲ الاجتماعية، فقد يتفق انها بنحو يقتضى توافر الدواعى و الظروف على إشاعة الحكم المقابل^۳

از جمله عوامل، میزان ابتلاء مردم به مسأله مورد اجماع و شرایط اجتماعی است. گاهی اتفاق می‌افتد که فراهم بودن انگیزه‌ها و شرایط، اقتضای حکم مقابل مورد اجماع را دارد.

لو لم يكن الحكم المجمع عليه^۴ ثابتاً فى الشريعة حقاً.

در صورتی که حکم مورد اجماع، واقعاً در شریعت ثابت نباشد.

و منها: لحن كلام اولئك المجمعين فى مقام الاستدلال على الحكم، و مدى احتمال ارتباط موقفهم بمدارك^۵ نظرية موهونة الى غير ذلك من النكات و الخصوصيات.

۱. یعنی: مسأله مورد اجماع.

۲. مرجع ضمیر: المسألة.

۳. یعنی: حکم مقابل حکم اجماعی.

۴. مرجع ضمیر: الحكم.

۵. متعلق جارو مجرور: ارتباط.

از جمله عوامل، لحن کلام اجماع کنندگان در مقام استدلال بر حکم، و میزان احتمال ارتباط فتوای آنان با ادله نظری سست و بی پایه و عوامل و نکاتی مانند این‌ها می‌باشد.

Sco2: ۱۹:۲۲

نکاتی درباره کاشفیت اجماع از دلیل شرعی

گفته شد که اجماع، تحت تأثیر چهار عامل می‌تواند موجب کندی یا سرعت حصول علم به صدور شود. اکنون دو نکته تکمیلی درباره کاشفیت اجماع مطرح می‌شود:

نکته اول: در اجماع، اتفاق علما موضوعیت ندارد، بلکه گاهی با وجود مخالف معروف هم لطمه‌ای به کاشفیت اجماع از دلیل شرعی وارد نمی‌شود، اما اگر شخصیت و مراتب علمی و عصر زندگی مخالف، طبق حساب احتمالات، مؤثر باشد، در حصول علم شرعی نقش منفی یا مثبت ایفا می‌کند.

نکته دوم: گاهی اجماع به تنهایی نمی‌تواند کاشف قطعی از دلیل شرعی محسوب شود که در این صورت، به کمک دلیل و همراه با قرائن دیگر، می‌تواند برای فقیه افاده علم کند. به عنوان مثال، اجماع بر تحقق ملکیت بدون «بعت» و «قبلت» وجود داشته ولی موجب علم نشود، اما در کنار آن قرینه‌ای بر انجام مبادله بدون «بعت» و «قبلت» از طرف معصوم (ع) باشد که به کمک اجماع آید.

تطبیق

و لما كان استكشاف^۱ الدليل الشرعي من الاجماع مرتبطاً بحساب الاحتمال، لم يكن للإجماع بعنوانه موضوعية في حصوله^۲،

از آن‌جا که علم به دلیل شرعی از راه اجماع، بر اساس حساب احتمالات است، اتفاق نظر علما، موضوعیتی در حصول علم ندارد.

فقد يتم الاستكشاف حتى مع وجود المخالف إذا كان الخلاف بنحو لا يؤثر على حساب الاحتمال المقابل،
گاهی اوقات، علم به دلیل شرعی، حتی با وجود مخالف نیز حاصل می‌شود؛ اگر مخالفت به گونه‌ای نباشد که بر حساب احتمال حکم مقابل، مؤثر باشد.

و هذا^۳ يرتبط الى درجة كبيرة بتشخيص نوعية المخالف و عصره، و مدى تغلغله^۴ في الخط العلمي و موقعه^۵ فيه.^۶
تأثیرگذاری مخالف حکم اجماعی تا حد زیادی با شخصیت مخالف و عصر زندگی او و میزان عمق او در خط علمی و جایگاه علمی‌اش مرتبط است.

۱. یعنی: علم و یقین به دلیل شرعی.

۲. مرجع ضمیر: استکشاف.

۳. مشارالیه: تأثیرگذاری مخالف.

۴. یعنی: نفوذ و عمق مخالف.

۵. مرجع ضمیر: المخالف.

۶. مرجع ضمیر: الخط العلمي.

كما انه قد لا يكفي الإجماع بحساب الاحتمال للاستكشاف، فتضم اليه^١ قرائن احتمالية اخرى على نحو يتشكل من المجموع^٢ ما يقتضي الكشف بحساب الاحتمال.

گاهی اجماع بر طبق حساب احتمالات، برای علم به دلیل شرعی کفایت نمی‌کند که در این صورت، قرائن احتمالی دیگر به آن ضمیمه می‌شود. در این صورت، از مجموع اجماع و قرائن، کشف از دلیل شرعی طبق حساب احتمالات حاصل می‌شود.

Scor: ۲۸:۵۴

١. مرجع ضمیر: الاجماع.

٢. یعنی: مجموع اجماع و قرائن احتمالی.

چکیده

۱. عواملی که با تأثیر بر اجماع می‌توانند موجب کندی یا سرعت حصول علم شوند عبارتند از: الف) شخصیت علمای اجماع‌کننده از جهت علمی و زمانی؛ ب) جنس مسأله مورد اجماع؛ ج) میزان ابتلاء مردم به مسأله مورد اجماع؛ د) لحن و تعابیر موجود در کلام اجماع‌کنندگان.
۲. در اجماع، اتفاق همه علمای موضوعیت ندارد؛ بلکه با وجود مخالف هم ممکن است کاشف از دلیل شرعی باشد.
۳. گاهی اجماع با کمک قرائن دیگر، برای فقیه، افاده علم می‌کند.